

نویسنده: محمد حسن سوادین «M.Hasan Sweidan».

منبع و تاریخ نشر: کریدل «2025-04-16».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

استراتژی آمریکا و اسرائیل برای تضعیف ارتش های عربی

The US–Israeli strategy to weaken Arab armies

برای دهه ها، واشنگتن با تضعیف سیستماتیک ارتش های عربی، تسلط نظامی اسرائیل را تضمین کرده است. لبنان جاری ترین و بارزترین نمونه این دکتترین در عمل است

For decades, Washington has ensured Israel's military dominance by systematically weakening Arab armies. Lebanon is the most current and obvious example of this doctrine in practice.



Photo Credit: The Cradle

ایالات متحده فقط از اسرائیل حمایت نمی کند، بلکه برتری کشور اشغالگر را بر کل منطقه تضمین می کند. از دهه 1970، واشنگتن یک استراتژی عمدی را برای جلوگیری از ایجاد قابلیت های نظامی هر کشور عربی یا جنبش مقاومتی که می تواند با تل آویو رقابت کند، دنبال کرده است. این سیاست لفاظی نیست - در قانون مدون شده و در تمام ابعاد سیاست خارجی ایالات متحده در غرب آسیا اجرا می شود.

بر اساس شرایط قانون کنترل صادرات تسلیحات ایالات متحده، واشنگتن از نظر قانونی موظف است از "لبنه نظامی کیفی" (QME) اسرائیل حمایت کند که به شرح زیر است:

توانایی مقابله و شکست هرگونه تهدید نظامی متعارف معتبر از سوی هر کشور منفرد یا ائتلاف احتمالی دولتها یا بازیگران غیردولتی، در حالی که کمترین خسارات و تلفات را متحمل می‌شود، از طریق استفاده از ابزارهای نظامی برتر، که به مقدار کافی از جمله سلاح، فرماندهی، کنترل، ارتباطات، اطلاعات، نظارت، و قابلیت‌های شناسایی و شناسایی که از نظر توانایی یا قابلیت‌های فنی ممکن برتر از سایر ویژگی‌های دولتی است. بازیگران غیردولتی.»

در عمل، این امر به کاهش رتبه فروش تسلیحات به کشورهای عربی، تعویق یا تعدیل عمدی انتقال تسلیحات، و خرابکاری آشکار در تلاش‌های منطقه‌ای برای پیگیری استقلال نظامی ترجمه شده است.

حتی نزدیک‌ترین متحدان واشنگتن نیز در امان نیستند. دستیابی امارات متحده عربی به جت‌های جنگنده F-35 - حتی پس از امضای توافقنامه ابراهیم - مشروط به حفظ برتری نظامی اسرائیل بود. هنگامی که این قرارداد در نهایت تصویب شد، اسرائیل بی‌سر و صدا نسخه پیشرفته‌تری از همان هواپیما را دریافت کرد. پویایی‌های مشابه، انتقال تسلیحات ایالات متحده به مصر و عربستان سعودی را شکل داده است، جایی که سیستم‌های فروخته شده به طور مداوم برای حفظ برتری اسرائیل، سقف یا کالیبره می‌شوند.

تلاش برای دور زدن کنترل ایالات متحده - با تهیه سلاح از روسیه یا چین - به سرعت مجازات می‌شود. علیرغم عضویت ترکیه در ناتو، واشنگتن به دلیل خرید سامانه موشکی اس-400 روسیه، ترکیه را تحریم کرد. این پیام به طور کلی ثابت است: هیچ قدرت عربی یا منطقه‌ای، مهم نیست که چقدر طرفدار غرب باشد، اجازه ندارد ظرفیت نظامی مستقلی را توسعه دهد که می‌تواند برتری اسرائیل را به چالش بکشد.

لبنان: نمونه کتاب درسی

این سیاست در هیچ کجا به اندازه لبنان قابل مشاهده نیست، جایی که از لحظه سیاسی پس از جنگ برای پیشبرد یکی از خواسته‌های دیرینه واشنگتن استفاده می‌شود: خلع سلاح حزب الله. آتش‌بس نوامبر 2024 بین اسرائیل و لبنان یک وضعیت جدید ایجاد کرد - وضعیتی که در آن ایالات متحده می‌تواند کارزار خود را تحت عنوان بازسازی و آشتی تشدید کند.

ایالات متحده این دستور کار خلع سلاح را به عنوان بخشی از تلاش گسترده‌تر برای ایجاد ثبات در لبنان تنظیم کرده است. اما واقعیت کاملاً متفاوت است. منافع واشنگتن در

لبنان نه حاکمیت است و نه صلح، بلکه کنترل است. این محور هر نیرویی است که بتواند در برابر تجاوزات اسرائیل مقاومت کند.

در 28 مارس، سخنگوی وزارت خارجه ایالات متحده تامی بروس گفت: به عنوان بخشی از توافق توقف خصومت ها، دولت لبنان مسئول خلع سلاح حزب الله است و ما انتظار داریم نیروهای مسلح لبنان (LAF) این تروریست ها را برای جلوگیری از خصومت های بیشتر خلع سلاح کنند.

این شرایط آتش بس را نادرست توصیف می کند - که هیچ کدام شامل بند خلع سلاح نمی شود - اما دقیقاً هدف واقعی واشنگتن را منعکس می کند.

هیچ شخصیتی به اندازه مورگان اورتگاس، معاون فرستاده ایالات متحده در غرب آسیا، این خط را با قدرت پیش نبرده است. او در چهار مصاحبه در سراسر شبکه های منطقه ای از 6 تا 9 مارس، 35 بار به خلع سلاح حزب الله اشاره کرد - بیش از هر موضوع دیگری، از جمله اصلاحات اقتصادی یا امنیت مرزها.

اورتاگوس بارها لحظه کنونی را فرصتی «یک بار در یک نسل» برای تنظیم مجدد توازن قدرت داخلی لبنان توصیف کرده و از جوزف عون، رئیس جمهور لبنان و نواف سلام، نخست وزیر لبنان به دلیل همسویی با اولویت های ایالات متحده تمجید کرده است. اما ستایش او بسیار مشروط است - به این موضوع که رهبری جدید چقدر تهاجمی خلع سلاح حزب الله را دنبال می کند.

در داخل کشور، این کارزار فشار توسط متحدان لبنانی واشنگتن پذیرفته شده است. سمیر جعجع، رهبر حزب سیاسی راستگرای نیروهای لبنانی، اخیراً ایده گفت و گوی ملی درباره تسلیحات حزب الله را «اتلاف وقت» رد کرد و تاکید کرد که خلع سلاح باید فوراً اجرا شود. موضع او بیشتر با تل آویو هماهنگ است و مستقیماً با درخواست رئیس جمهور عون برای حل و فصل مذاکره، "بدون جرقه زدن" یک جنگ داخلی دیگر در تضاد است.

کمک با رشته های متصل

فروپاشی اقتصادی لبنان به ابزاری قدرتمند برای اجبار تبدیل شده است. وعده کمک بین المللی - چه از سوی صندوق بین المللی پول یا بانک جهانی - اکنون به صراحت با خلع سلاح حزب الله گره خورده است. اورتاگوس بارها هشدار داده است که نجات مالی لبنان به اصلاحات ساختاری عمده بستگی دارد. اما این اصلاحات به تنهایی ماهیت اقتصادی ندارند. آنها مطالبات سیاسی هستند که به زبان مالی پوشیده شده اند.

گزارش های رسانه ها تأیید کرده اند که نهادهای مالی بین المللی تحت هدایت واشنگتن، خلع سلاح حزب الله و حرکت به سمت عادی سازی با اسرائیل را پیش شرط ضمنی برای

کمک قرار داده‌اند. پیام روشن است: لبنان کمک مالی دریافت نخواهد کرد مگر اینکه حاکمیت خود را تسلیم کند.

در کنار فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی، واشنگتن در حال به راه انداختن یک جنگ شناختی برای مشروعیت‌زدایی از نقش حزب‌الله در جامعه لبنان است. این کمپین از طریق رسانه‌ها، شبکه‌های جامعه مدنی و عملیات‌های تأثیرگذاری که با هدف تخریب وجهه حزب‌الله به عنوان یک نیروی مقاومت و تبدیل آن به عنوان یک مسئولیت ملی انجام می‌شود، عمل می‌کند.

این تهاجم روانی امیدوار است که درک عمومی را تغییر دهد و ایده خلع سلاح را به جای تسلیم شدن، راهی به سوی صلح جلوه دهد. اما نظرسنجی‌های اخیر نشان می‌دهد که این کمپین در بین مردم لبنان طنین اندازی نمی‌کند، زیرا مردم می‌توانند خودش را ببینند که دولت آنها قادر به توقف تجاوزات روزانه اسرائیل نیست. نظرسنجی مرکز اطلاعات بین المللی در بیروت نشان داد که تنها 2.7 درصد از پاسخ دهندگان معتقدند خلع سلاح راه حل بحران لبنان است.

فعال کردن تجاوز اسرائیل

حتی در شرایطی که ایالات متحده خواستار برچیده شدن مقاومت است، به حمایت و امکان عملیات نظامی اسرائیل در لبنان ادامه می‌دهد. از زمان آتش بس در نوامبر 2024، اسرائیل بیش از 3000 بار حریم هوایی و خاک لبنان را نقض کرده است. این حملات صدها کشته برجای گذاشته و زیرساخت‌های غیرنظامی را در جنوب لبنان و حومه بیروت هدف قرار داده است.

با این حال، هر نقض اسرائیل با سکوت یا توجیه واشنگتن مواجه شده است. هنگامی که اسرائیل حومه جنوبی بیروت را در ماه مارس بمباران کرد - اولین حمله از زمان پایان جنگ - اورنگاس از حمله دفاع کرد و ادعا کرد که این حمله پاسخی به موشک‌هایی است که گفته می‌شود از لبنان شلیک شده است. هیچ مدرکی ارائه نشده است و منبع آتش سوزی هنوز مشخص نیست. با این حال، موضع ایالات متحده ثابت مانده، مانند شعار ناسازگار: تجاوز اسرائیل دفاع از خود است، در حالی که حضور حزب‌الله یک تهدید است.

واشنگتن همچنین به اسرائیل اجازه داده است تا برای جمع‌آوری اطلاعات، پروازهایی در ارتفاع بالا بر فراز لبنان انجام دهد که نقض آشکار حاکمیت لبنان است. این پروازها هیچ هدفی جز اعمال کنترل اسرائیل بر آسمان لبنان و کمک به عملیات هدف‌گیری آتی ندارند.

Key topics addressed by Morgan Ortagus in her four interviews (March 6-9, 2025)

The Topic	Number of times the terms were used	Percentage of the terms used
Disarm Hezbollah and other militias and monopolize all weapons under the state.	35	28.90%
Economic reforms and Lebanon's financial crisis (the IMF, banking laws, and the 'bitter medicine').	20	16.50%
Iran and the potential regional/nuclear agreement (maximum pressure campaign, red lines).	15	12.40%
Reconstructing southern Lebanon and attracting investment from the private sector.	12	9.90%
Maintaining the ceasefire and border security with Israel.	10	8.30%
US support, training, and equipment of the Lebanese army.	8	6.60%
The Abraham Accords, Gulf Partners, and the broader regional peace architecture.	7	5.80%
Freedom of navigation and 'Houthi' attacks in the Red Sea.	5	4.10%
Corruption in Lebanon and the need for fair governance.	5	4.10%
Syrian borders, smuggling, and preventing the return of Iran and ISIS.	4	3.30%

سرکوب مقاومت، نه فقط حزب الله

کارزار علیه حزب الله فقط مربوط به یک حزب یا یک گروه مسلح نیست. این بخشی از یک استراتژی سیستماتیک است تا اطمینان حاصل شود که هیچ نیروی عربی - دولتی یا غیر دولتی - نمی تواند اسرائیل را از نظر نظامی به چالش بکشد. چه در لبنان، سوریه، اردن، عراق و یا حتی کشورهای همسایه آمریکا در خلیج فارس، هدف واکشاندن یکی است: خلع سلاح، تفرقه انداختن و تسلط.

آنچه در لبنان اتفاق می افتد منزوی نیست. در سوریه، ایالات متحده به طور فعال برای جلوگیری از تشکیل مجدد ارتش عربی سوریه و در عین حال تضعیف آرمان فلسطین از طریق دولت جدید تحت رهبری اسلام گرایان تلاش کرده است.

در عراق، برای به حاشیه راندن یگان های بسیج مردمی (PMU) فشار آورده است. در اردن، این کشور نفوذ اطلاعاتی و نظامی عمیقی را حفظ می کند که عملاً هرگونه خودمختاری استراتژیک را محدود می کند. در کل، نتیجه چندپارگی، وابستگی و ضعف است. پایان بازی واشنگتن نه صلح است و نه دموکراسی. این برای تحمیل یک نظم منطقه ای است که در آن دولت اشغالگر بدون چالش حکومت می کند و کشورهای عربی در وضعیتی دائمی از فرودستی نظامی نگه داشته می شوند.

ابزارها متنوع هستند - دیپلماسی، فشار اقتصادی، جنگ اطلاعاتی و هماهنگی نظامی - اما هدف منحصر به فرد است: کنترل مقاومت و جلوگیری از ظهور هر گونه قدرت مستقل در غرب آسیا.

این فقط جنگ با حزب الله نیست. این جنگ بر سر ایده مقاومت، بر حق مردم برای دفاع از خود، تعریف امنیت خود و ترسیم آینده خود است. جنگ بر سر هویت، حاکمیت و کرامت است.

نبرد رانمی توان به تنهایی در میدان جنگ انجام داد. باید در عرصه سیاسی، در سیاست های اقتصادی، در روایت های رسانه ای و در آگاهی مردم انجام شود. ایالات متحده خواهان منطقه ای بدون مقاومت، بدون حافظه و بدون تعیین سرنوشت است.

اما لبنان فروشی نیست. و بازوهای مقاومت آن بر سر میزی که در تل آویو و واشنگتن تنظیم شده است تسلیم نخواهد شد.

_____ **با تقدیم احترامات «20-04-2025»**



محمد حسن سوادین